

تبیین و تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای هشتمین سفر سندباد (اثر نمایشی - ادبی بهرام بیضایی)

یداله طالشی^{۱*}، زهره فدایی وشکی^۲، سولماز رزاق زاده^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

۲- دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

سال هفدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۵، صص ۳۳۰-۳۱۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7654>

نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک‌شناسی لایه‌ای به عنوان شاخه‌ای از سبک‌شناسی نوین که در آن نقش و ارزش ساختاری و محتوایی آثار در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی برای نشان دادن ایدئولوژی حاکم بر متن مورد استفاده قرار می‌گیرد و استفاده از این شیوه، متن را از آشفتگی و تداخل معنایی باز می‌دارد. در مقاله حاضر هشتمین سفر سندباد نمایشنامه‌ای است از بهرام بیضایی به عنوان نویسنده‌ای خلاق را بر اساس مؤلفه سبک‌شناسی لایه‌ای انتخاب گردید و مشخص نمودیم که وی چگونه توانسته است جلوه‌های زیباشناسانه این اثر هنری را با شگردهای متنوع سبکی و فنون ادبی به ظهور برساند و همچنین چگونه با تحلیل مبانی سبک‌ساز در لایه‌های مختلف می‌توان به پیام‌های فکری حاکم بر متن اثر پی برد.

روش مطالعه: روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای هشتمین سفر سندباد با استفاده از مؤلفه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای و شواهد درون‌متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌ها: شخصیت اصلی داستان با پشت‌سر گذاشتن تجربه‌های سخت از مرحله نادانی و ناخودآگاهی به درجه دانایی و خودآگاهی می‌رسد. یعنی به‌نوعی فرایند خودشناسی و بازشناسی ضرب آهنگ‌های آوایی و تکرار موسیقی هجاها و واژه‌ها با بسامد بالا به تولید نثر موزون و شاعرانه در این نمایش‌نامه است.

نتیجه‌گیری: بیضایی با تلفیق زبان کهنه و نو، بیان روایی، جلوه‌های بلاغی، تصویرهای عینی و ذهنی، انواع هنجارگریزی، آشنازدایی و ... سبک جدیدی را به عنوان سبک فردی با عنوان نمایشنامه‌های شاعرانه و نثر فاخر هنری خلق کند و همچنین نه تنها این اثر نمایشی وی، بلکه تمام آثار نمایشی او بهترین نمونه برای تبیین مؤلفه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای است.

تاریخ دریافت: ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۰۱ تیر ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۱۶ تیر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۳۱ مرداد ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی لایه‌ای، نمایشنامه، بهرام بیضایی، لایه آوایی، لایه معنایی.

* نویسنده مسئول:

✉ taleshi@iaau.ac.ir
☎ (۰۹۸۲۱) ۵۶۳۵۸۱۰۵



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

**Explanation and analysis of the layered stylistics of Sinbad's 8th journey
(Literary-dramatic work of Bahram Beyzai)**

Y. Talashi*¹, Z. Fadaei Voshki², S. Razzaghzadeh³

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

2- Studied Persian language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 19 May 2024

Reviewed: 21 June 2024

Revised: 21 June 2024

Accepted: 21 August 2024

KEYWORDS

Layered stylistics, drama, Bahram Baizai, phonetic layer, semantic layer.

*Corresponding Author

✉ talashi@iaau.ac.ir

☎ (+98 21) 56358105

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Layered stylistics as a branch of modern stylistics in which the structural and content role and value of the works in five phonetic, lexical, syntactic and semantic layers are used to show the ideology governing the text and using this method, the text is free from confusion and There is a semantic interference. In this article, the eighth journey of Sinbad is a play by Bahram Bayzaei as a creative writer, based on the layered stylistic component, and we determined how he was able to bring out the aesthetic effects of this work of art with various stylistic techniques and literary techniques, and also how By analyzing the stylistic basics in different layers, one can understand the intellectual messages governing the text of the work.

METHODOLOGY: The descriptive-analytical method and based on the library sources of Sinbad's 8th voyage is investigated using layered stylistic components and intratextual evidence.

FINDINGS: The main character of the story reaches the level of knowledge and self-awareness by going through hard experiences from the stage of ignorance and unconsciousness. That is, in a way, it is the process of self-knowledge and recognition of phonetic rhythms and musical repetition of syllables and words with high frequency to produce rhythmic and poetic prose in this play.

CONCLUSION: By combining old and new language, narrative expression, rhetorical effects, objective and subjective images, types of norm avoidance, defamiliarization, etc., Baidaei created a new style as an individual style with the title of poetic plays and fine artistic prose, and also not only this work His drama, but all his drama works are the best example to explain the components of layered style.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7654>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

به‌طور کلی ادبیات و هنر بیان اندیشه‌ها و احساسات به کمک واژه‌هاست. به عبارتی ادبیات بیان اندیشه‌های خلاق و هنر نمایش زیباییهاست. در شکوفایی هنر و ادبیات است که هنر گاهی جلوه‌های زیباشناسانه خود را با شگردهای متنوع زبان و بیان به ظهور می‌رساند. از مهمترین روش‌های شناخت و ارزیابی شاخص‌های آثار ادبی و هنری سبک‌شناسی به خصوص شاخه جدید آن سبک‌شناسی لایه‌ای است که در این شیوه نوین علمی، مبانی سبک‌ساز در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و معنایی بررسی میشوند.

و ساختارهای مختلف زبانی اعم از آواها، واژه‌ها، جمله‌ها، ترکیبها تا مباحث حوزه علم بلاغت، نوع اندیشه و جهان‌بینی نویسنده را تجربه و تحلیل میکند و با لایه‌برداری به عناصر برجسته متن دست راه پیدا میکنند. در خصوص ارزش و کارکرد سبک‌شناسی باید گفت که سبک‌شناسی، اطلاعات بسیاری درباره شخصیتها، دانش، اندیشه، عقاید یک شخص یا اثر به دست میدهد به همین دلیل دانش سبک‌شناسی موفقترین عملکرد خود را در قلمرو سبک فردی تجربه میکند و دقیق‌ترین اطلاعات به مؤلف و فردیت، عقیده، ذهنیت، احساس، عواطف را در اختیار خواننده قرار میدهد. در لایه آوایی این علم عناصری که موجب خلق جلوه‌های موسیقایی کلام میشوند و در لایه واژگانی انواع واژه‌ها بر اساس ویژگیهای صوری و معنایی بررسی میشوند و در لایه نحوی و ترکیب چیدمان واژه‌ها، جمله‌ها و جهت و ... پرداخته می‌شود، و لایه بلاغی تمهیدات سبکی و آنچه به زبان ادبیت میبخشد و سرانجام در لایه معنی رسیدن به ایدئولوژی و نوع تفکر حاکم بر متن از این رهگذر در بوته تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

یکی از قالبهای نثر ادبی نمایشنامه‌نویسی است که ضمن داشتن جنبه‌های هنری و فنی گونه‌ای از نثر ادبی است و به همین دلیل دانشهای فنی مربوط به ادبیات در واکاوی آثار ادبی میتواند درباره این نوع ژانر ادبی به کار گرفته شود که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم. بهرام بیضایی به عنوان نویسنده‌ای خلاق و صاحب سبک فردی در حوزه ادبیات نمایشی به دلیل علاقه و آگاهی به متون تاریخی و ادبی کهن از دل آنها به شکل زبان تصویری و نمایشی، نشانه‌دار همراه با ظرافتهای هنری و شگردهای زبانی و ادبی توانسته است نثر فارسی به اجرای خود برساند و این خود مایه کار و شمارش بسیاری پس از وی گردید.

هشتمین سفر سندباد به عنوان یکی از آثار برجسته بیضایی به عنوان یک نمایشنامه نمادین است که شخصیت اصلی آن یعنی سندباد در مسیر درونی و بیرونی پس از پشت سر گذاشتن تجربه‌های سخت از مرحله نادانی و ناخودآگاهی به درجه دانایی و خودآگاهی میرسد که ضرب‌آهنگهای آهنگی و تکرار موسیقایی هجاها، منجر به تولید نثر موزون و شاعرانه در این نمایشنامه شده است. همچنین از تمایزات سبکی این اثر در سطح واژگانی میتوان به تنوع واژه‌ها، عینی و ذهنی، عامیانه و گفتاری بودن آنها و همچنین انواع ترکیبسازی اشاره کرد. این اثر از صورت متنوع دستوری برخوردار است از جمله عناصر ساختار نحوی، تکرار جمله‌ها و نقش‌های مختلف دستوری در ساخت انواع جمله. نثر توصیفی - تصویری و یا به اصطلاح زبان چند لایه هنری بیضایی در این نمایشنامه علاوه بر آراستگی لفظی از نظریه نظر لایه‌های زیرین از شگردهای بلاغی برخوردار است و همچنین در این سفرنامه نمایشنامه در فضایی خیالی و نمادین با بن‌مایه‌های فلسفی و فکر عمیق جریان دارد که همگی اینها در قالب صحنه‌های نمایش متنوع از خصوصیات سبکی این اثر است.

در این تحقیق دو مسأله اساسی دنبال میشود یکی اینکه بهرام بیضایی چگونه با ترکیب جلوه‌های هنر نمایشی (شخصیت‌پردازی، گفت‌وگو، روایت‌گری، صحنه‌پردازی و ...) با شگردهای متنوع زبانی و بیانی (هنجارگریزی،

آشنادایی، قابلیت‌های موسیقایی، ساختارهای واژگانی، نحوی و بلاغی) نوعی زبان چندلایه هنری را در سفر سندباد خلق کند. و دوم اینکه میزان تأثیرگذاری هر یک از این لایه‌های پنجگانه در این اثر نمایشی غنی‌سازی واژگان، گسترش زبانه ادبی، جلوه‌سازی تصویری، خلاقیتها، صحنه‌پردازی و استقلال بار فکری و مفاهیم ذهنی تا چه اندازه است.

پیشینه پژوهش

۱. بیضایی، بهرام. (۱۳۸۵). هشتمین سفر سندباد. تهران: نشر جوانه؛ ۲. فدایی وشکی، زهره. (۱۴۰۰). سبک‌شناسی لایه‌ای آثار بهرام بیضایی. رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، نویسنده در بخشی از این اثر نمایشنامه هشتمین سفر سندباد را در پنج لایه بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای بررسی کرده است؛ ۳. باقی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۷). نوع ادبی و ماهیت هنر در نمایشنامه، فصل‌نامه بهارستان سخن، سال پانزدهم، شماره ۴۱، ۴. رحمانیان محمد. (۱۳۷۷). بهرام بیضایی، نمایشنامه‌نویس، مجله هنر و معماری، شماره ۲. محسنی‌نیا و صدراپی (۱۳۹۹). در پژوهشی با عنوان سبک‌شناسی لایه‌ای آثار برجسته عرفانی حکیم ملاعباسعلی کیوان قزوینی در دو لایه واژگانی و ایدئولوژیک با بررسی و تحلیل آثار موردنظر، سهم هر لایه از دو لایه مورد نظر در کشف و توضیح اندیشه‌ها و افکار عرفانی مؤلف و نحوه بروز آن‌ها در آثار مورد بررسی مشخص گردیده است.

اهداف پژوهش

۱. شناسایی و بررسی عناصر هشتمین سفر سندباد در لایه‌های پنج‌گانه
۲. بررسی شاخصهای سبک فردی بیضایی در هشتمین سفر سندباد

ضرورت تحقیق

جبران خلاهای پژوهشی در موضوعاتی چون سبک‌شناسی لایه‌ای و لایه‌برداریهای سبکی در آثار حوزه ادبیات نمایشی.

۱. لایه آوایی:

یکی از مهمترین شاخصه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه آوایی یا موسیقایی است که در شکل‌گیری آهنگ و موسیقی درونی و بیرونی کلام تأثیر دارند و آن مجموعه‌ای از عناصری است که باعث خلق موسیقایی میشود یعنی توازنها، تناسبات آوایی و لحن موسیقایی اثر.

عناصری که مربوط به لایه آوایی است شامل انواع تکرارهای موسیقایی، هم‌صدایی، هم‌حرفی، توازنها، تناسب، تکرار نشانه‌های میانی، پایانی، تکرار واژه‌های همسان و غیرهمسان، تکرار واو عطف پیوند، انواع سجع، انواع جناس، تکرار صامتها، مصوتها، هنجارگریزی، فراهنجاری آوایی و ... که باعث ایجاد تناسبات آوایی، لحن موسیقایی، کلام، شکوه صحنه‌ها، زیبایی جلوه‌های هنری، برجسته‌سازی معنایی، برجستگی سبک فردی، ظهور جلوه‌های موسیقی، لذت شنیداری، تقویت لحن، انسجام ساختارهای نحوی، تصویر و تجسم حالت‌های مختلف شخصیتها، گوش‌نوازی، تأکید و انسجام درونی، تأثیرگذاری، انسجام لفظ و معنا، آفرینش نثر شاعرانی و آراستگی لفظی.

۱-۱. هم‌صدایی / هم‌حرفی: از عوامل تولید موسیقی و ضربه آهنگهای آوایی همسانی واجها و تکرار حرف‌هاست که علاوه بر تناسب، توازن، هم‌آهنگی آواها باعث القای معنی خاصی در ایجاد موسیقی درونی میشود. نمونه: هم‌صدایی (ا) با هم‌حرفی (ب، ر، ز، د) «سندباد: من این راه دراز را با بازوی شما آمدم و حالا باید با پای خودم بروم» (هشتمین سفر سندباد، ۱۳۵۰: ۲۹).

تکرار نشانه میانی: پیوند واژه‌ها با نقش نمای - هم باعث ایجاد موسیقی در بیان و هم باعث تقویت لحن موسیقایی و افزایش شکل آهنگین و هم باعث القای معنی میشود: «در آن سال سخت که به سالِ گرگ معروف بود بود، دوست آن روزهای من سندیاد را بیماریِ غریبی گرفت» (همان، ۴۶).

تکرار نشانه‌های پایانی

نشانه‌های پایانی در خلق تناسبها و توازنهای آوایی در سندیاد نقش مهمی دارند. نشانه‌های (ند، یم، ی، م) در آهنگین شدن نثر نمایشی و ایجاد نوعی قافیه در پایان جمله‌ها و همچنین نثر شاعرانه نقش ایفا میکنند: «سندیاد ما شرع کشیدیم و متاع بردیم ... بر باغ کنده‌کاری کردیم و بر ترمه‌های زرد نقش پرندۀ دور زدیم» (همان، ۱۷).

تکرار واژه‌های همسان

از عوامل آهنگین شدن نثر شاعرانه و نمایشی در سفر سندیاد تکرار واژه‌های همسان است که در ایجاد لحن آهنگین و تقویت موسیقی تأثیر گذارند. در این نمایشنامه واژه‌های همسان بیشتر کاربرد قیدی در شکلهای گوناگون ظاهر شدند. «های! پرندۀ خوشبختی ما هستی، پرپر زن، آرام شگری بکن و چه چهای بز» (همان، ۷۲).

تکرار موسیقایی واژه‌ها:

این عنصر موسیقی‌ساز در این اثر بسیار زیاد است. چنانکه به یکی از شاخص‌های سبک‌ساز تبدیل شده است. تکرار واژه‌ها به شکل پی‌درپی سبب برجستگی موسیقایی این اثر شده است. «سندیاد تند تند، تندتر موج‌ها را بشکن، محکم محکم، محکمتر، دیوانه‌ها دیوانه» (همان، ۲۷).

سجع:

کاربرد انواع سجعهای متوازی، متوازن و مطرف در این اثر بخصوص متوازی و مطرف سبب موسیقایی اثر شده است. «سندیاد باز هم بگردید... تا نور می‌تابید و چشم میدید همه جا را گشتیم» (همان، ۴۵).

جناس: هر چند این عامل موسیقی‌ساز در این اثر کم است اما کاربرد کم آن در تقویت لحن موسیقایی بسیار تأثیرگذار است. کاربرد انواع جناس، چون جناس مضارع، لاحق، تام و ... «سندیاد، توفندۀ باد، باد» (همان، ۹۳).

نام آوا: یعنی تجسم معنا به وسیله آوا «حروف زنگ خاص دارند و هر زنگ در ذهن شنونده اثر خاصی ایجاد میکند مثلاً حرف «ل» از آواز به هم خوردن آب حکایت میکند: قُلْ قُلْ» (خانلری، ۱۳۴۵: ۲۸).

نام آواها در سندیاد سبب تقویت آهنگ و موسیقی و همچنین موجب شنیده شدن صدای نمایشی و حالت رفتاری شخصیتها مانند: خندیدن، دریغ و ... است. «سندیاد تو کی هستی؟ شعبده‌باز، من! هاه هاه همه همین را میخواهند» (همان، ۸).

۲. لایه واژگانی

لایه واژگانی یکی از سطوح تحلیل در زبان است که در فرایند بررسی سبک‌شناسانه اهمیت خاصی دارد. زیرا واژه از مهمترین ابزار بررسی متون ادبی است که در یافته‌های فکری و ایدئولوژیک سهم بسزایی دارند. در واقع گزینش واژگان سبک شخصی نویسنده را تشکیل میدهند.

در هشتمین سفر سندیاد شاخصهای واژگانی شامل تنوع زبانی واژه‌ها، عینی و ذهنی بودن، کهنه و نو بودن، عامیانه و گفتاری بودن، انواع گونه‌های تناسبی، تضاد، ترکیب‌سازیهایی واژگانی و تکرار است. «در ادبی شدن زبان دو عامل انتخاب و شیوه ترکیب واژه‌ها حین محورجانشینی و همنشینی اهمیت خاصی دارند که در اصطلاح زبان‌شناسی برجسته‌سازی نامیده میشوند (غلامرضایی، ۱۳۹۵: ۱۹).

تنوع زبانی واژه‌ها:

واژه‌ها استفاده شده در این اثر بیشتر در دو گروه واژه‌های فارسی و عربی هستند و نسبت به دیگر آثار بیضایی از تنوع واژگانی کمتری برخوردار است، این مسئله ممکن است تا حدی به فلسفی بودن موضوع نمایشنامه که جستجوی خوشبختی و نوگرا است و همچنین با غلبه زبان گفتاری و عامیانه ارتباط داشته باشد. بیضایی با استفاده از واژه‌های فارسی و عربی به صورت هم تنیده و ترکیبی توانسته نثر شاعرانه‌ای در این اثر تولید کند برای مثال برای غنی‌سازی و معنابخشی بیشتر یک واژه مانند: خوشبختی هم از مترادف فارسی نیکبختی و هم از معادل آن در عربی سعادت را استفاده کرده که باعث تنوع زبانی، ترادف‌سازی، و معناسازی واژه‌ها به تولید بافت نمایشی اثر کمک کند.

به طور کلی غلبه و کاربرد واژه‌های موسیقی هویت‌دار فارسی نسبت به عربی بیشتر است. «ما به سرزمینهای غریبه قالی بردیم شراب و فلسفه بردیم و تار و شعر بر چوب آبنوس کاخ کنده‌کاری کردیم و ... (سندباد، ۱۷).

واژه‌های عینی:

درصد زیادی از واژه‌ها در این نمایشنامه، واژه‌های عینی و محسوس هستند به همین دلیل سبک نوشتاری اثر را تا حدودی ملموس و محسوس ساخته و تصویرهای شفاف از سفر دریایی، پدیده‌ها در مقابل چشم خوانندگان ترسیم میشود. «خورشید نزدیکتر شد کشتی داغ است ... لاله امواج، خورشید تشنه است، مرغان دریایی خود را به آب میزنند» (همان، ۵۴).

واژه‌های ذهنی:

به‌طور کلی وجود واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک میشوند. واژه‌های ذهنی نسبت به واژه‌های عینی تیره‌ترند زیرا تصویر روشنی از مفهوم در ذهن تداعی نمیکنند. واژه‌های ذهنی بر اساس محتوا و درونمایه فلسفی و فکر نویسنده چون خوشبختی نیست من می‌خواهم حقیقت را بدانم (همان، ۶).

واژه‌های گفتاری یا (عامیانه):

این بخش از زبان در موقعیتهای رسمی پذیرفتنی نیست زیرا نامأنوس ناهموار و ناآشنا هستند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۵۳) اما هر دو بافت واژه‌های رسمی و غیررسمی در جایگاه خود ویژگیهای خاصی دارند. واژه‌های گفتاری آنها هستند که در مکان گروه‌های پایین جامعه رواج دارند و استفاده از آنها در متن رسمی جز بخش ابداعی زبان است در سفر سندباد بیضایی برای توصیف، تصویرسازی و طرح گفت‌وگوی شخصیتها که بیشتر کارگران و ملاحان کشتی هستند از واژه گفتاری و عامیانه بهره برده و در بیشتر موارد نثر نمایشی ساده، پویا، غافلگیرکننده و سرشار از کنایه بوجود آورده است. «من ام بازی، برگشتم ز سوار یا بوی تازی، به خبازی خوشم باشد، چه غمازی گرفتم مچ بریم قاضی» (سفر سندباد، ۷۷).

واژه‌های تناسب‌ساز:

تناسب‌سازی واژه‌ها از لوازم اولیه شکلگیری زبان ادبی است و نظم و نثر زمانی ارزش ادبی پیدا میکنند که بین اجزا و عناصر کلام تناسب و تقارن باشد. «تناسب وجود نظم یا توافق و هماهنگی است میان چند چیز. تناسب، کثرت را به وحدت میرساند و از آنجا که حس کنجکاوی انسان را ارضا میکند شادی میاورد شادی‌آور و زیباست» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۶۴).

تناسب‌سازی مشاغل: بیضایی در این اثر تعداد زیادی از شخصیت را از طریق تناسب‌سازی با عنوانها و صفتهای شغلی معرفی کرده است. «یک دسته مطرب به بازیگر... اینان کولی‌اند و از مقوله‌های رقاصان و چنگیانند و مسخرگان و دلککان و بازیگراند که...» (سندباد، ۷۱).

تناسب‌سازی با اعلام جغرافیا: نویسنده با نام جای‌ها و مکانها اطلاعات جغرافیایی مفیدی در اغنیار قرار میدهد. «غیور به کلکته، بنارس، بنگاله، سومات. وهب: این رفتن برای فروش کالا نیست» (همان، ۸۵).

تناسب‌سازی با اصطلاحات دریانوردی: با توجه به مسیر حرکت نمایشنامه که به شکل سفر دریایی است. تناسب‌سازی با اصطلاحات در آن بسیار. «شعبده‌باز: به او یک کشتی خواهم داد با همه رنگ، همه نوع متاع و صد ملاح. سندباد: ما شرع کشیدیم» (همان، ۱۶).

تناسب‌سازی با عناصر و اشیا: موضوع نمایشنامه هشتمین سفر سندباد الهام گرفته از یک قصه کهن به نام سندباد بحری و سفرهای اوست به همین دلیل نویسنده با اشاره به اشیاء و عناصر قصه‌های کهن به تناسب‌سازی واژه‌ها پرداخته و صحنه‌های نمایشی زیبایی خلق کرده است. «سندباد ما چه چیزها بردیم جام جهان‌بین، گوهر شب‌چراغ، آیینه پیش‌گو و... چوب صندل، پيله ابریشم و بردیم قندیل‌های مس» (همان، ۱۷).

تناسب‌سازی با رنگ‌ها: بیضایی برای محصور ساختن مفاهیم انتزاعی و تصویرسازیهای خیالی و عینی نشان دادن پدیده‌ها از رنگها استفاده میکند. «عنصر رنگ به عنوان گسترده‌ترین حوزه محسوسات انسانی در تصویرهای شاعرانه سهم عمده‌ای دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۷: ۲۷۴) به کارگیری رنگها در پویایی، نشاط‌بخشی، تنوع‌پذیری، پیوندهای واژگانی و رنگین شدن تصویرهای نمایشی کفش مؤثری دارد. «یک با زبان سرخ با رشته‌های زرد بر آبهای سبز بابا می‌رود» (سندباد، ۲۶).

تضادهای واژگانی: از شگردهای زبان هنری و سبکی بیضایی در معناسازی و گسترش روابط معنایی واژگان، تضاد میان واژه‌ها یا تضادهای واژگانی است. گاه همین تضادهای واژگانی فرازاها و فرودهای زبانی نمایشنامه الگویی کنش‌مند درآمده است. در قرین‌سازی‌های اسمی، فعلی و صفت است که به درک و فهم پیوندهای واژگانی کمک کرده است. «هر لحظه جنگ بود و جنگ گرسنگان با سیرهای مست این تازیانه بود آن حبس اینجا گریز بود اینجا فرار بود» (همان، ۳۱).

ترکیب‌سازی واژگان: ترکیب‌سازی واژگانی فارسی زبانی است ترکیبی کارکرد انبوه واژه‌های ترکیبی از شاخصهای سبکی در سفر سندباد است که شامل ترکیب اجزای واژه‌های عربی و فارسی و گاه شامل اجزای واژه‌های اصیل فارسی با یکدیگر است تو را دیدم در چشمهای وحشت زده آن مرد ... «سندباد اگر به خاطر سعادت بخشیدن به این مردم آن مداح را کشته بود» (سندباد، ۷۰).

تکرار واژگانی: از دیدگاه سبک‌شناسی تکرار کلمه میتواند بیانگر سبک فردی باشد چرا که تکرار واژه موجب تمرکز بیشتر مخاطب بر روی موضوع یا معنی خاصی میگردد. به‌نوعی به برجسته‌سازی آن کمک میکند. قرار گرفتن واژه یا عبارت تکرار شوند در آغاز آملین در میزان تأکید برجسته‌سازی مؤثر است در سفر سندباد این عنصر از بسامد بالایی برخوردار است که علاوه بر تقویت زیباییهای لفظی و بدیعی به درک معنی هم کمک میکند «ملاحان: وای آنک آنک، آنک موج. دسته دیگر: های اینک کوه، اینک سیل، اینک موج، ملاحان: برق میزد برق و ...» (همان، ۱۹).

۳. لایه نحوی

از مهمترین عناصر بررسی شده در ساختار زبانی و سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه نحوی و دستوری است که واژگان و نحو در تجلی، رفتارهای اجتماعی، فرهنگی، فکری زبان اهمیت زیاد دارند و از طریق بررسی همین واژگان، گروه‌ها، جمله‌ها جمله‌واره‌ها و بندها در کدام می‌توان عناصر متفاوت در یک اثر را گسترش داد و در توصیف یک متن به کار گرفت. چون توصیف‌ها و تصویرهای حاصل از عناصر نحوی ساختار بیرونی و درونی، نوع اندیشه و ذهنیات نویسنده را نشان می‌دهد. «نحو عبارت است از بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژه‌ها و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان، ساخت اندیشه با نحو پیوند آشکاری دارد تا با واژه کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان همگی بیانگر اندیشه‌اند» (فتوحی، ۱۳۹۸: ۱۰) کاربرد گروه‌های اسمی طولانی، انواع ساختارهای قیدی، صفتی، فعل، چیدمان نامنظم، ارکان جمله، کوتاهی جمله، تقدم صفت، فراهنجاری زبانی و زمانی، روابط جمله‌ها با هم، باستانگرایی نحوی از شاخصهای اصلی لایه نحوی است. در هشتمین سفر سندباد از عناصر برجسته نحوی و صورت متنوع دستوری بهره برده است که در نقش‌آفرینی در تولید ساختار زبانی، انتقال پیام و القای بار معنایی نقش اساسی دارد.

تکرار جمله: از شاخصهای سبکی در سفر سندباد که بیانگر سبک فردی بیضایی و بر تأکیدی‌های معنایی دلالت دارد تکرار است. «تکرار از قویترین عوامل تأثیر است و بهترین وسیله‌ای است که عقیده یا فکری را القاء میکند» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۹۹) یکی از ویژگی سبکی دوره خراسانی تکرار است که تکرار علاوه بر اینکه موسیقی درونی و زیبایی کلام را افزایش می‌دهد در برجسته‌سازی، تأکید و تأثیرگذاری نقش مهمی دارد. «سندباد: یکی هست، یکی باید باشد، باید باشد کمکم کن، کمکم کن، کمک کنید» (سفر سندباد، ۹۰).

تکرار تأکیدی اجزای جمله: تکرار تأکیدی نقشهای گوناگون دستوری مانند اسمها، قیدها، صفتها، فعلها و ... موجب ضرب‌آهنگ موسیقی و تأکیدی نقشهای گوناگون و تأکید معنایی در بافت نمایش این اثر شده است. «و باز آفتاب، موج، موج، موجهای بسته، و هیچ، هیچ، هیچ، اینک فکر تجزیه الوار فکر تجزیه کشتی» (همان، ۵۸). تکرار تأکیدی انواع قید در این اثر ظرفیتهای نوشته را در زمینه تصویرسازی، حالت‌سازی، پویایی و حرکت در صحنه‌های نمایش و طرح‌گفت‌وگوهای شخصیت نمایشنامه را افزایش و باعث نشاطبخشی و تنوع‌پذیری ساختاری نحوی آن شده است.

تکرار تأکیدی صفت: «سندباد: مزدکم است، خوراک کم است، آب شیرین کم... تنها ماهی شور و آب شور که دریا می‌دهد» (سفر سندباد، ۳۷).

تکرار تأکیدی فعل: تکرار فعل‌ها در متون کهن و در زبان پهلوی و فارسی دری رایج بوده است. در هشتمین سفر سندباد و با توجه به آگاهی و علاقه نویسنده به متون کهن به وضوح دیده میشود که بیانگر استمرار و دوام و حالتی است که در آن معنی به کار رفته تکرار تأکیدی فعل در عبارت‌های گوناگون و به صورت پراکنده در اول، وسط و پایان جمله با بسامد بالایی به کار رفته که بیانگر سبک فردی نویسنده و یکی از شاخصهای سبک‌شناسی در لایه نحوی است. «سفر سندباد: های توفان بود، طوفان بود، سیل میبارید، میبارید، میبارید و موج میشد، اوج میشد، کوه میشد» (همان، ۱۸).

تکرار فعلهای مرکب: ساخت و کاربرد فعلهای مرکب زمینه گسترش زبایی و تنوع مفاهیم فعل و غنی‌سازی واژگانی را فراهم میکنند. اجزای تشکیل‌دهنده فعل مرکب که معنی واحدی را دنبال میکند از نظر و جهت درصد

بالایی در این اثر دارند. «سندباد: ضجه‌ها را میشنوی، صبر نمیکنیم غیور با ملاحان را جمع کن و به هر ملاح پنج برابر وعده بده» (همان، ۵۲).

قیدهای حالت: از مشخصه‌ای پرکاربرد در ساختار نحوه سفر سندباد کاربرد قیدهای حالت است که زیرساخت نمایه‌های تصویری و نمایشی را در بافت متن ایجاد کرده است که توصیفگر و تصویرساز حالت رفتارها گفت و گوها و رویدادهای مختلف هستند که در گسترش معنی اثرگذار است. قیدهای حالت ساخته شده از نظر ساختمان در گروه قیدهای مرکب هستند که در تمام قسمت این نمایشنامه به صورت پراکنده‌اند و در شکلهای قیدهای پیشوندی، ترکیبهای عطفی، هستمهای قیدی خودنمایی میکنند. «ملاحان آهسته ولی لرزان از خشم به طرف سندباد می‌آیند و هراسان و گریزان میدوند. سندباد هنوز محکم و مطمئن بر پای ایستاده» (همان، ۱۱۰).

کارکرد صنعت هنری: صفت‌های هنری از جمله عناصر زبانی و بدیعی زبان هستند که در توصیف، تصویر و تولید لحن موسیقایی به خواننده در شناخت عمیق اثر باری میرسانند. بیشترین صورت ساخت و کاربرد صفت‌های هنری در این اثر مربوط به صفت‌های برتر، عالی، اصلی، شمارشی و ترکیبهای وصفی و بدیع است که در معناسازی، گسترش و پرورش فضای مفهومی نقش عمده‌ای دارند. «سندباد: کشتی سبکتر شنا میکند حتماً گنج بزرگترین زیر سر دارد... در پنهانترین گوشه‌های دل من هنوز بیدار است» (همان، ۳۹).

صفت‌های ترجیحی: در بین استفاده از انواع صفت در این اثر صفت‌های برتر و عالی در سطح بالایی قرار دارد. «عمیقترین زخم تازه‌ترین تازه‌ها، عمیقتر، خشنتر، دورترین، حقیرتر».

صفت‌های شمارشی: تقویم زمانی و سپری شدن روزها، ماه‌ها، سالها در این اثر با صفت‌های شمارشی اصلی به مخاطبان اطلاع‌رسانی میشود. نویسنده برای شمردن تعداد سفرهای نمادین هشتگانه و بیان اغراق‌آمیز و اسطوره‌ای از صفت‌های شمارشی استفاده کرده است. «همچنین از صفت شمارشی، ترتیبی، اصلی. «آیا صد مرد شمشیرزن میتوانند کتیبه‌ها را ببینند» (همان، ۱۰۴).

صفت‌های بدیعی: این نوع صفت‌ها از عناصر ایجاد زبان شاعرانه و سبک ادبی در نوشته‌هاست و بیشتر از عناصر دیگر زبان انعکاس‌دهنده احساس و نوع برخورد شاعر و نویسنده با پدیده‌ها است. کاربرد زیاد ترکیبهای وصفی تازه، هنری و خوش‌ترکیب در این اثر در ایجاد زبان ادبی، تقویت اندیشه و عاطفه، تصویرپردازی، انسجام معنایی، پویایی و نشاطبخشی توصیفات در سفر سندباد بسیار اثرگذارند. سندباد شب‌های تاب داره و چشم کافرکش. رسول: فریاد شنیدم از سمت بودای خفته، مسرور: این قفس سرپوشیده نیست» (سفر سندباد، ۶۳).

تنوع و پی‌آوری جمله‌ها: بیضایی در سفر سندباد در بیان موضوعات و مفاهیم مختلف، توصیف و تصویرسازی، شخصیت‌ها و طرح‌گفت‌وگویی بین آنها از انواع ساخت‌های نحوی زبان بهره‌میرد و در شرح ماجرای سفرهای دریایی به اقتضای موقعیتهای داستانی توانسته انواع جمله‌های خبری، التزامی، پرسشی، امری، عاطفی به کار گیرد که این امر بیانگر خلاقیت و توانایی نویسنده در ساخت و همنشینسازی انواع جمله‌ها برای تولید و نمایش نثر هنری و زبان ادبی است. «سندباد: دوست من! چه خبر است؟ مرد: چیزی نمیدانم، سندباد: برادر نوفل کجاست؟ اسمش را شنیده‌ام» (همان، ۳۲).

جمله‌های دعایی: از کنشهای زبانی در ساختار نحوی که در تعاملات اجتماعی نقش دارد آرزو کردن و بیان دعای خیر برای مخاطب است. جمله‌های دعایی با ساخت دستوری مانند جمله‌های فعلی «التزامی» جمله‌های اسمی و شبه جمله‌ها با مضامین دعا و آرزو در سفر سندباد بسیار کاربرد دارد. البته گاه این جمله‌ها بی‌فعل و گاه فعل و

گاه شاعرانه و هنرمندانه ساخته شده‌اند. «برکت سرزمین شما از پیش پیشتر باد و رعایاتان خرسند و خردمندتان به تمام» (همان، ۲۰).

چیدمان نامنظم نحوی: وقتی نویسنده اجزای جمله را در جایگاه غیر از جایگاه می‌آورد، جابه‌جایی ارکان جمله یا چیدمان نامنظم نحوی زبان تولید میشود که از ویژگی برجسته نحوی و دستوری به شمار می‌آید: در سفر سندباد به دلیل زبان گفتاری و عامیانه با چیدمانی نامنظم روبرو هستیم که نویسنده با تلقین آن با زبان رسمی توانسته از این طریق جهت القای بار مفاهیم فکری، خلفی و طرح گفت‌وگوی شخصیتها بهره میبرد. که همین امر باعث آفرینش نثر شاعرانه در این اثر شود. «مردم اینجا نبرد بود، هر لحظه سختتر، اینجا غریب بود، هر لحظه بیشتر، سندباد آیا باید این برد راه من؟ حجت بگو...» (همان، ۱۸).

۴. لایه بلاغی

نثر هنری و زبان چند لایه بیضایی علاوه بر آنکه در سطح بیرونی کدام دارای لایه‌های موسیقایی واژگانی و نحوی قدرتمندی است از نظر لایه‌های درونی نیست از شگردهای بلاغی، تصویرهای مجازی و مفاهیم کنایی عمیق برخوردار است. در سفر علاوه بر وجود تکنیکهای فنی فیلم‌نامه‌نویسی، هنجارگریزیهای معنایی، تصویرسازیهای بدیع و صحنه‌پردازیهایی زیبا دیده میشود، او توانسته به کمک صنایع معنوی چون: تشبیه، استعاره، کنایه، اغراق، تعلیقات، اساطیری، حس‌آمیزی، پارادوکس، وارونگی، آشنازدایی، و ... تصویرآفرینی کند که هم توانسته نوعی نثر شاعرانه پدید آورد که به عنوان سبک شخصی با شاخص زبان چند لایه و نثر فاخر هنری در ادبیات نمایشی ایران به نام او ثبت شود. بیضایی در این اثر از طریق آشنازدایی، ایمازهای شاعرانه و کهن‌الگوی اساطیری به خوبی توانسته تصویرهای عینی و ذهنی خلق کند جهت اطلاع و انتقال بهتر اندیشه‌های خلفی و آرمانی با توجه به موضوع این اثر.

تشبیه: از مشخصه‌های سبکی سفر سندباد در لایه بلاغی تشبیه و کاربرد گوناگون است که بر اساس همانندسازی دست به تصویرآفرینی میزند. از یک سفره چون داستان سفر سندباد و همراهان دریانوردش به وسیله کشتی است. نویسنده از مشبه و مشبه‌های حسی و عینی پدیده‌ها و مخلوقات دریایی برای تصویرسازی تشبیهی بهره برده و از سویی برای انتقال اندیشه‌های فلسفی و مفاهیم ماورایی چون خوشبختی، مرگ، عدالت و ... از مشبه و مشبه‌های عقلی برای همانندسازی بهره برده در این از انواع تشبیهات ساده غیراضافی، اضافی برای تجسم‌گرایی و تصویرسازی شخصیتها پدیده‌ها و حوادث داستانی استفاده کرده. «غیور بادبان‌ها در مسیر باد، شجاع: رو به ساحل غربی، سندباد: چشمهایش، نلرزدش، چشمهای برنگ رنگین‌کمان و قدمهایش ابریشم زردی که در مهتاب باد میبرد» (سفرسندباد، ۲۲).

استعاره: «استعاره بلیغتر و رساتر از تشبیه است» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۷۸) چرا که هدف از آن خیالی کردن مشبه است یعنی مصور کردن آن در ذهن که با اغراق همراه است. در سفر سندباد انواع استعاره غیراضافی، اضافه استعاری (انسان انگاری) را با تصویرهای خاص در تجسم‌گرایی، دیداری کردن مفاهیم تجریدی، نقش به‌سزایی دارد از جمله اسناد مجازی که نسبت فعل به فاعل غیرحقیقی است با استفاده از پدیده‌های طبیعت چون دریا و خورشید، آسمان با جان‌بخشی به آنها در زیباسازی و عینی شدن مفاهیم بسیار بهره برده. «سندباد: ... من هزار چشم آبی دریا را نگران میدیدم. ملاحان: خورشید تشبیه بود» (همان، ۵۷).

کنایه: از شگردهای بلاغت در خلق تصویرهای هنری کنایه است. چون بیانی غیرصریح و دو بعدی است و با تلاش ذهنی نویسنده برای کشف معنایی تلاش میکند جلوه‌های بلاغی، زیباشناسی، التزاد هنری، گسترش معنا به کدام

میبخشد. در سفرسندباد انواع کنایه‌های متداول، کنایه‌های فعلی، وصفی با وجه اغراق‌آمیز بیشترین کاربرد را دارند. «سندباد: زبانها بسته بود وهب و امیر خودرأی و خودکام. شعبده‌باز در لباس امیر این زبان دراز، بگیردش» (همان، ۴۹).

اغراق: بزرگنمایی و برجسته‌نمایی با خیال و پندارهای شاعرانه سر و کار دارد. اگر در ستایش یا نکوهش کسی یا چیزی زیاده‌روی شود موجب حیرت، شورآفرینی و خیال‌انگیزی میشود. این شیوه تصویرسازی برای تجسم و توصیف صحنه‌های مختلف حماسی تا روایت‌های غنایی، تعلیمی و نمایشی استفاده میشود. در سفر سندباد ماهیت فلسفی و نمادین بودن سفرهای هشتگانه سندباد و همراهان دریانوردش در جستجوی همای سعادت و گریزناپذیری سفر مرگ از یک طرف و اشارات و تعلیقات افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه، اسطوره‌های کهن از سوی دیگر موجب شده تا نویسندگان از تصویرهای گوناگون اغراق‌آمیز (جام جهان‌بین، گوهر شب‌چراغ، اژدهای پرنده و ...) استفاده کند که خلق صحنه‌ها و توصیف‌های اغراق‌آمیز در این اثر بر شگفتی و برجسته‌نمایی مکان‌ها، زمان‌ها و ماجراها افزوده شود. «ما دیدیم هر موج را به هفتاد و پنج رنگ و دریا را به صد آواز و ما دیدیم تاریکی هر شب، صد هزاران موج از اشباح و ...» (همان، ۲۷).

تلمیحات اسطوره‌ای و افسانه‌ای: بیضایی به دلیل علاقه و آگاهی از فرهنگ ایرانی به‌خصوص متون هویتدار گذشته چون شاهنامه، تاریخ بیهقی و اوستا و ... زبان نوشته‌های او بسیار به سبک گذشتگان نزدیک است علی‌رغم اینکه با بهره‌گیری از متون سبک خاصی به نوشته‌های خود داده است. بسیاری از نوشته‌های او از دل اسطوره‌ها، حماسه‌ها، افسانه و صحنه‌های مردم قدیم به وجود می‌آید و نگاه به شکل زبان تصویرگری و نمایشی، نشانه‌دار همراه با ظرافت‌های هنری و شگردهای بلاغی در قالب نثر شاعرانه به نگارش درآمده‌اند. در سفر سندباد اشاره‌های اساطیری و افسانه با تصویرسازیهای کوتاه و متنوع متناسب با دو موضوع فلسفی آن در هشت مرحله سفر دریایی در آرزوی رسیدن به خوشبختی شکل گرفته است او با تصویرسازیهای نمایشی از پرندگان چون همای سعادت، سیمرغ و از پدیده‌ها چون جام جهان‌بین و گوهر شب‌چراغ و از موجودات جهان چون اژدها و مارهای پرنده و از مکانها چون سرنوشت و از زمانها چون هزاران هزار سال مفهوم‌سازی کرده است. «... گفت که آنجا مارهای پرنده است و خفاش عصبی که لحظه‌ای از فریاد نمی‌مانند آن طرف صخره‌ای با صورت آدمی شکل یک غول» (سفرسندباد، ۴۳).

تلمیحات مذهبی: شبیه‌سازی جست‌وجوی سندباد برای یافتن خوشبختی و ناپدید شدن او در آبهای دریا با داستان قرآنی حضرت خضر به درون تاریکیها و خریداری شدن سکه‌های قدیمی سندباد پس از بازگشت از سفر طولانی با داستان اصحاب کهف و سفر هشت‌گانه سندباد با هفت شهر عشق در عرفان و مفاهیم دیگر مذهبی در متن نمایشنامه بیانگر کلمات ذهنی است. «سندباد در تاریکی... چشم انتظارم یک قطره آب، یک جرعه باد در تاریکی و در ظلمات من تنهاییم» (همان، ۱۰۲).

حس آمیزی: بیضایی برای تصویرسازی صحنه‌های نمایشی و درک مفاهیم ذهنی با حواس گوناگون از شکلهای مختلف ترکیب‌سازی حواس ظاهری با مفاهیم عقلی استفاده میکند که درک عینی تصویرهای ذهنی و القای معنا را تقویت میکند: برای مثال تصویرسازی نمایشی با درهم‌آمیزی مفهوم ذهنی (اندیشیدن) با تلخی طعم (اسناد وابسته‌های حواس ظاهر با علوم ادراکی، نسبت دادن تلخی به نگرستن و فریاد زدن) اسناد اوصاف و افعال حسی به حسی و غیر عقلی. «سندباد: چه تلخ بود اندیشیدن تلخ، چه تلخ بود نگرستن به مرگ پرنده اما تلختر از آن فریاد آن مرد بود که گفت...» (همان، ۷۵).

متناقض نما (پارادوکس): پارادوکس از شیوه‌های آشنایی‌زدایی است که بر مبنای رابطه نقیضی اجزای یک جمله شکل می‌گیرد» (احمدنژاد). این شیوه زیباسازی لفظی و معنایی کدام دارای ایجاد هنری است که در قالب یک ترکیب یا جمله کوتاه می‌تواند معانی ذهنی متنوع را وسعت بدهد؟ در سفر سندباد این عنصر تصویرساز به دو صورت ترکیبی و بیانی (ترکیب را اضافه و جمله) جهت زیباسازی جلوه‌های تصویری و گسترش معنای فضای معانی دیده می‌شود. «... آنها که زنده‌اند و زنده نیستند، آنها که می‌خندند و خنده و خنده‌شان گریه‌ای است در سوگ خنده‌ها» (همان، ۸۹).

وارونگی (عکس): این عنصر تصویرساز به نویسنده امکان می‌دهد تا نظم متعارف کلام را در هم بشکند و جمله را برجسته کند. در سفر سندباد وارونگی در رنگ‌آمیزی و نقاش جلوه‌های نمایشی، شاعرانگی نثر تصویرسازی هنری و عمق‌بخشی معانی فلسفی تأثیرگذار است. «سندباد... شعبده می‌کنم طلا را در خاک می‌کنم، خاک را در طلا» (همان، ۸).

آیرونی یا (لحن گونگی): از ابزارهای برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی در نوشتار است که ساختارهای متداول زبان را در حوزه دلالت‌ها غیرطبیعی می‌سازد و چون دوگانگی لفظ و معنا یا صورت و محتوا را در بر می‌گیرد و بر پایه تضاد و تناقض، کنایه، طنز، غافلگیرانه گاه خنده‌آور می‌شود می‌توان آن را در گروه فنون بلاغی بررسی کرد در سفر سندباد از این عنصر برای به تصویر کشاندن وسعت جهان و اندیشه بهره برده است «هر روز آبستن دردی است که باید داروی همان روز را جهت، این مرد زیاد هم مست نیست در مستی او حقیقی است» (سفرسندباد، ۹۶).

آشنایی‌زدایی: چون در این عنصر با آشنا کردن مفاهیم آشنا، ادراک خواننده به تعویق می‌افتد نوعی شگفتی لذت و ذوق را در مخاطب ایجاد می‌کند: بیضایی با استفاده از جلوه‌های مختلف زبان ادبی با تصویرآفرینی‌های ذهنی به خلق آشنایزدایی دست یافته است و به‌همین دلیل جنبه‌های پویایی، گیرایی، تصویرهای نمایشی، زیبایی، توصیفها، برجسته‌سازی نثر ادبی و معناسازی عمیق آن در این اثر افزوده است. «... همان که دست سندباد شلاق میزند و ارتفاع موج ما باز می‌رویم» (همان، ۱۰۷).

۵. لایه معنایی

حکایت سندباد بحری یکی از طولانی‌ترین قصه‌های کتاب هزار و یک است که نشانه‌های تحول یافته‌ای از اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن اقوام است. بیضایی با الگوبرداری از آن به بازآفرینی و بازسازی توانسته است ضمن حفظ محتوای آن یک اثر نمایشی- ادبی خلاق و هنری به وجود آورد که در نوع خود بی‌نظیر است. سندباد در تلاطم جنگ برای رهایی از فقر و به‌دست آوردن سعادت با عده‌ای سفر دریایی را آغاز می‌کند که در طی سفر رسید هزارساله اتفاق می‌افتد. بیضایی مسیر داستانی نمایش را در هشت مرحله با محوریت مفاهیم فلسفی در آرزوی رسیدن به خوشبختی به نمایش می‌گذارد. سفر اول برای ثروت‌اندوزی که با نجات نوفل یک کشتی هرچه می‌گیرد دو به چین همای سعادت به چین می‌رود و ثروت‌اندوزی می‌کند که آن را بین فقرا تقسیم می‌کند. سفر دوم وصل عشق، سوم رسیدن به حقیقت خوشبختی، رسیدن به همای سعادت، رفتن به سرزمین عجایب هند، یافتن جواب سؤال خوشبختی، تبعید شدن سندباد و سفر هشتم سفر مرگ است. خلاصه اینکه مفاهیم عمیق عرفانی سفر تمثیلی از عالم برون به عالم درون، کمال‌جویی، حقیقت‌طلبی، کشف معمای جهان خلقت، آرمان‌طلبی، طی مقامات برای رسیدن به تعالی و دستیابی به آرامش روحی و قلبی از پیامهای فکری نهفته متن است.

نتیجه‌گیری

هشتمین سفر سندباد نمایش فلسفی اسطوره‌ای و سفرنامه‌ای نمادین است که عمیقترین دغدغه‌های ذهنی بشر از جمله تجربه‌اندوزی، سفرهای هشتگانه در جستجوی خوشبختی و سفر هشتم روبه‌رو شدن با پدیده‌ای ناشناخته به نام مرگ را به نمایش درآورده است. شخصیت اصلی داستان پشت‌سر گذاشتن تجربه‌های سخت از مرحله نادانی و ناخودآگاهی به درجه دانایی و خودآگاهی میرسد. یعنی به‌نوعی فرایند خودشناسی و بازشناسی ضرب‌آهنگهای

آوایی و تکرار موسیقی هجاها و واژه‌ها با بسامد بالا به تولید نثر موزون و شاعرانه در این نمایش‌نامه است. از تمایزات سبکی این اثر در سطح واژگانی می‌توان به تنوع واژه‌ها، عینی و ذهنی بودن، عامیانه و گفتاری بودن اشاره کرد. از لحاظ لایه نحوی و صورتهای متنوع دستوری تکرار جمله‌ها: تکرار تأکید نقیضهای مختلف چیدمان نامنظم نحوی و ... اشاره کرد. نثر توصیفی و تصویری در این نمایشنامه علاوه بر آراستگی لفظی از نظر لایه‌های زیرین و درونی از شگردهای بلاغی، تصویرهای ذهنی، نمادپردازی و نشانه‌های هنری برخوردار است. این سفرنامه نمایشی در فضایی خیالی و نمادین با بن‌مایه‌های فلسفی و فکری عمیق جریان دارد. زبان شاعرانه، شگردهای گوناگون زیباشناسی، تصویرسازی‌های شگفت‌انگیز سفرهای دریایی در قالب صحنه‌های نمایشی متنوع از مختصات کلی سبک نمایشنامه است. نویسنده از کهن‌الگوهای اساطیری و افسانه‌ای کهن و نمادهای طبیعی دریایی برای عینی‌سازی مفاهیم تجربیدی و تجسمی حوادث سفرهای هشتگانه سیر و سلوک عرفانی و خودشناسی به‌خوبی استفاده کرده است. از رمزگشایی‌های معناساز این نمایشنامه میتوان به مفاهیمی چون خوشبختی و سر بیرونی و درونی برای خودشناسی حقیقت‌یابی سلوک معنوی دستیابی کمال، عبور از جهل و رسیدن به دانایی اشاره کرد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت و گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها آقای دکتر یداله طالبی و سرکار خانم زهره فدایی وشکی و سرکار خانم سولماز رزاق‌زاده میباشد.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Baizai, Bahram. (1971). The eighth journey of Sinbad. what first Tehran: Javane.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza. (2018). Imaginary images in Persian poetry. what first Tehran
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza. (2012). Poetry music. What is the thirteenth? Tehran: Aghah.
- Gholamrezaei, Mohammad. (1980). Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamlu. The fourth Tehran: Jami.
- Fotuhi, Mohammad. (2018). Stylogy of theories, approaches and methods. The fourth. Tehran: Sokhn.
- Mohseninia, Nasser; Abolghasemi, Mohsen; Sadraei, Ruqiye. (2019). Layered stylistics of outstanding mystical works of Hakim Malaabasali Keyvan Qazvini in two lexical and ideological layers. Specialized Monthly of Persian Poetry and Prose Stylogy (Bahar Adeb). Year 13, No. 5, No. 51.
- Natal Khanleri, Parviz. (1966). Book of poetry and art. Tehran: Bina.
- Vahidian, Kamiar, Taghi. (2004). Persian phonetic dictionary. Mashhad: Ferdowsi University.
- Vahidian, Kamiar, Taghi. (2000). Original from the aesthetic point of view. Tehran: Friends.

فهرست منابع فارسی

- بیضایی، بهرام. (۱۳۵۰). هشتمین سفر سندباد. چ اول. تهران: جوانه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). موسیقی شعر. چ سیزدهم. تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۷). صور خیال در شعر فارسی. چ اول. تهران

غلامرضایی، محمد. (۱۳۵۹). سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو. چ چهارم. تهران: جامی.
فتوحی، محمد. (۱۳۹۸). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها. چ چهارم. تهران: سخن.
محسنی‌نیا، ناصر؛ ابوالقاسمی، محسن؛ صدراپی، رقیه. (۱۳۹۹). سبک‌شناسی لایه‌ای آثار برجسته عرفانی حکیم
ملاعباسعلی کیوان قزوینی در دو لایه واژگانی و ایدئولوژیک. ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر
فارسی (بهار ادب). سال ۱۳، شماره ۵، شماره ۵۱.
ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۴۵). کتاب شعر و هنر. تهران: بینا.
وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۹). بدیع از دیدگاه زیباشناسی. تهران: دوستان.
وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۳). فرهنگ نام‌آوایی فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

معرفی نویسندگان

یداله طالشی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.
(Email: taleshi@iaau.ac.ir; نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0002-4572-8228)
زهره فدایی وشکی: دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
(Email: Zohreh.fadaei46@gmail.com)
(ORCID: 0009-0001-7995-5488)
سولماز رزاق‌زاده: دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
(Email: razzaghzadeh@stu.iaau.saveh.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-9450-102x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Yadullah Talashi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.
(Email: taleshi@iaau.ac.ir; Responsible author)
(ORCID: 0000-0002-4572-8228)
Zohre Fadaei Vashki: Scholar of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
(Email: Zohreh.fadaei46@gmail.com)
(ORCID: 0009-0001-7995-5488)
Solmaz Razzaghzadeh: Scholar of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
(Email: razzaghzadeh@stu.iaau.saveh.ac.ir)
(ORCID: 0000-0002-9450-102x)